



حکمرانی جهادی

(درآمدی بر تحلیل سیره سردار سلیمانی از منظر آموزه‌های حکمرانی)

مهدی مزینانی^۱

چکیده

تحقیق حاضر، توصیفاتی که از سبک و سیره شخصی و شخصیتی سردار سلیمانی در کلام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ارائه شده را از منظر آموزه‌های حکمرانی به‌عنوان بحثی تازه در عرصه اداره امور عمومی تحلیل نموده با این هدف که امتیازات و تمایزات آن را شناسایی و الگویی مقدماتی بر مبنای یافته‌ها ترسیم نماید. در این راستا از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده و پس از تحلیل نمونه آماری تمام‌شمار از بیانات منتشرشده درباره سردار سلیمانی تعداد ۲۷ کد استخراج که ۵ گروه از آنها برآمد و نهایتاً مقوله‌هایی در دو بعد فردی و اجتماعی شکل گرفت که در مقام انتزاع با نظام مفهومی «حکمرانی جهادی» تبیین نظری شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی حکمرانی جهادی با محوریت و مرکزیت مفهوم جهاد در معنای عام آن، از جهت مبانی و خاستگاه، مفهوم اثربخشی و جایگاه جهاد و مجاهدت حکمران در آن از دیگر الگوهای معرفی شده حتی الگوهای بومی، متمایز بوده و شاخص‌های یادشده جزء ماهوی آن محسوب می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، حکمرانی جهادی، مکتب سردار سلیمانی

حکمرانی^۱ مفهومی تازه و نوپدید در عرصه اداره عمومی جامعه و دانش‌های ناظر بر آن چون علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت است که با سیاست‌های بانک جهانی و در نسبت با کشورهای در حال توسعه، طرح و بسط ویژه‌ای پیدا کرد (رضائی و توحیدفام، ۱۳۹۷، ص. ۳۶). خاستگاه یادشده، اقتضانات ایدئولوژیکی و ارزشی حکمرانی را برجسته کرده و در کنار حامیان و هوادارانی که ایجاد کرد مخالفت‌ها و مقاومت‌هایی را نیز برانگیخت. رویکرد میانه‌ای هم به حکمرانی ایجاد شد و آن استفاده از توان نظری و ظرفیت‌های علمی این بحث برای کاربست در حوزه‌های عملی و زندگی اجتماعی با رعایت اقتضانات و ملاحظات بومی و داخلی بوده است.

در حال حاضر، رشد فزاینده حکمرانی به‌جهت جغرافیایی و جاگیری آن در نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف به‌ویژه در سطوح آموزش عالی و دانشگاهی (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۱۳۹۶) همراه با افزایش حوزه‌های علمی و مطالعاتی که این مفهوم در آنها طرح شده و برای حل مسایل آنها به‌کار گرفته شده مانند حکمرانی آموزش عالی و شاید مهمتر از اینها داعیه‌ای که حکمرانی برای پیشگیری و حل مسایل بزرگ و فرابخشی جهانی مانند مشکلات زیست‌محیطی و ملی دارد این مفهوم را غیرقابل چشم‌پوشی و حتی شایسته توجه و کاوش علمی و نظری نموده است. با تمام تلاش‌های بکاررفته، «حکمرانی» را می‌توان هنوز مفهومی در حال «تکوین» و «شدن» دانست. بخش عمده‌ای از ادبیات این بحث، با گزاره‌هایی اینچنینی آغاز می‌شود که: «از حکمرانی تعریف‌های بسیاری ارایه شده...» یا «حکمرانی مفهومی مبهم است...» و غالباً این گزاره‌ها را به ضعف یا ناکارآمدی حکمرانی معنا کرده‌اند در حالی که به‌نظر می‌رسد وضعیت پیش‌گفته برای مفهومی که در حال تکوین است می‌تواند امتیاز و نقطه‌قوت شمرده شده و بلکه بر توان انعطاف و سازگاری آن با زیست‌بوم‌های معرفتی و دانشی گوناگون دلالت داشته باشد.

«تکوین» و «انعطاف‌پذیری» به‌عنوان دو ویژگی فعلی حکمرانی، یک نیاز و یک فرصت ایجاد می‌کند: نیاز به پژوهش‌های بیشتر و بحث‌های گسترده‌تر برای افزایش بار معنایی (نظری، مفهومی، الگویی) حکمرانی و فرصت مشارکت و هویداسازی ظرفیت‌های دیگر کشورها برای تکمیل و تکامل این حوزه معرفتی تازه و طرح ایده‌ها یا الگوهای تازه‌ای که در چارچوب این مفهوم امکان ارایه دارد. جمهوری اسلامی ایران که در پی پیروزی انقلاب اسلامی، دست‌کم به‌جهت ایدئولوژیکی در دوره دوقطبی مکتبی، راه سومی را طرح و تلاش نموده آن را مطرح و مستقر نماید در فرصت‌هایی از این دست، می‌تواند و به‌جهت آرمان‌ها و اهداف متعالی خود، بناچار باید حضوری بیشتر و مؤثرتر داشته باشد تا پیش از تکوین و ساخت‌یافتگی مفاهیمی مانند حکمرانی، نه‌تنها آنها را برای وضعیت خود، تعدیل و متعادل نماید که با

^۱ Governance

کمک نظام و دستگاه معرفتی متکی به وحی خود، آنها را تعالی بخشیده و متعالی نماید. در این راستا، یکی از راه‌ها می‌تواند توجه به الگوهایی از حکمرانی باشد که «به غمزه‌های مسأله‌آموز صد مدرس» شده‌اند و زندگی آنها، نماد و نمایان‌گر فلسفه‌ها و نظریه‌های اجتماعی متمایز و تازه‌ای می‌باشد.

بیان مسأله

معرفی و مطالبه «قاسم سلیمانی» نه به‌عنوان یک شخص و شخصیت که به‌عنوان یک «مکتب» از سوی مقام معظم رهبری (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷) بر چند نکته هم‌پیوند با بحث حاضر دلالت دارد از جمله اینکه سردار سلیمانی قابلیت و بلکه استحقاق مطالعه و بررسی علمی و تولید و معرفی یک نظام فکری کامل و جامع را دارند و اینکه در مطالعه جنبه‌های شخصیتی ایشان تنها نباید محدود به وجه امنیتی و جهادی شد بلکه ساحت‌های دیگر فکری و زندگی او نیز شایسته و بایسته نظریه‌پردازی است هم‌چنان‌که مکتب و مکاتب، چنین رویکرد و ظرفیتی را دارند. برای تحقق چنین امر مهمی، می‌توان رویکردی تاسیسی داشت یعنی با ذهنی خالی از هر مفهوم و ارزشی موضوع را کاویده و یافته‌ها را کنار هم چیده و نهایتاً آنها را به صورت مکتب، نظام یا نظریه صورت‌بندی نمود یا با رویکردی امضایی، به کمک چارچوب‌های نظری و مفهومی موجود، ضمن دیدن آنچه دیگران دیده‌اند مطلبی یا چشم‌اندازی هم به آن افزود. هر رویکرد، امتیاز خود را دارد اما برای بحث حاضر، رویکرد دوم ارجح است چرا که هدف، تحلیل و سپس تبدیل یک تجربه زیسته به یک الگو یا چارچوب نظری و آماده‌سازی دست‌مایه‌های لازم برای بساخت یک مکتب است به‌گونه‌ای که بتواند ضمن حفظ ماهیت جدا و مستقل خود، برای اثربخشی و پیشبرد مقاصد و اهداف، امکان تعامل و تبادل با دیگر مکتب‌ها را پیدا کند یا دست‌کم مقاومت‌ها را در شناخت و معرفی خود کمتر نماید.

بر این مبنا، امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های حکمرانی برای تحلیل وجه مکتبی سردار سلیمانی فراهم می‌آید و در چارچوب این بحث، پرسش‌هایی که می‌توان یا باید طرح نمود نیز قابل صورت‌بندی می‌شود. پرسش‌هایی چون:

- ۱) سردار سلیمانی بر اساس چه شاخص‌هایی توان و ظرفیت معرفی در سطح یک مکتب را دارد؟
- ۲) مکتب سردار سلیمانی تا چه اندازه امکان تحلیل و واکاوی نظری بر اساس ادبیات حکمرانی را دارد؟
- ۳) سازه‌ها و ناسازه‌های حکمرانی برای تحلیل مکتب سردار سلیمانی کدام است؟
- ۴) مناشی و خاستگاه‌های مکتب سردار سلیمانی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۵) مؤلفه‌های حکمرانی در مکتب سردار سلیمانی کدام است؟
- ۶) چه سازوکارها و ابزارهایی در مکتب حکمرانی سردار سلیمانی موضوعیت داشت؟
- ۷) ویژگی‌ها و جهات مابه‌الامتیاز حکمرانی در مکتب سردار سلیمانی چه بود؟

۸) شیوه‌ها و الزامات گفتمان‌سازی برای مکتب سردار سلیمانی کدام است؟
 ۹) و....

طبیعتاً با توجه به چارچوب تحقیقی و اقتضای بحث حاضر، امکان پرداختن به تمامی پرسش‌ها نبوده و ناگزیر از گزینش هستیم به همین روی، بدون ترجیح و ارزش‌گذاری، پرسش هفتم و تفاوت‌هایی که حکمرانی سردار سلیمانی را در چارچوب حکمرانی از دیگر نمونه‌ها جدا و متمایز می‌سازد مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

ادبیات تحقیق

چارچوب نظری

حکمرانی و به تعبیر دیگر، حکمرانی خوب، ادبیات پربراری دارد. همین ویژگی محققین را برای کاربست آن در حوزه‌های گوناگون، توانمند نموده و چشم‌اندازهای مختلفی پیش روی آنان می‌گذارد. کویمان (۱۹۹۹: ۶۹) ده تفاوت معنایی از حکمرانی را از هم متمایز می‌کند: حکمرانی به‌عنوان دولت کوچک؛ حکمرانی شرکتی؛ حکمرانی به‌عنوان مدیریت دولتی نوین؛ حکمرانی خوب؛ حکمرانی به‌عنوان دولت سایبرنتیک اجتماعی؛ حکمرانی به‌عنوان شبکه‌های خودسامان‌ده؛ حکمرانی به‌عنوان کنترل؛ حکمرانی به‌عنوان سبک و شیوه بین‌المللی؛ حکمرانی به‌عنوان حاکمیت اقتصاد یا بازیگران اقتصادی؛ حکمرانی و قابلیت حکمرانی. این تفاوت‌ها برآیند تنوع قلمروها و موضوعات یا سطوح مسایلی می‌تواند باشد که حکمرانی عهده‌دار پاسخگویی به آنها شده است. گوناگونی تعریف‌ها از اشتراک نظر در این مفهوم نکاسته بلکه در ادبیات موجود، هم نظری‌ها و دیدگاه‌های همانند یا نزدیک به هم نیز می‌توان شناسایی کرد. برای نمونه، افزایش مشارکت یا نقش گروه‌های غیرحاکمیتی در فرآیند اداره امور را می‌توان یکی از این مشترکات دانست که پشتوانه نظری آن دموکراسی است. ساده‌ترین ایده‌های دموکراسی، شامل مشارکت مستقیم شهروندان در اداره کردن سازمان‌ها یا جوامع‌شان می‌شود (هیل، ۱۳۹۷: ۴۸). نگاهی به شاخص‌هایی که برای معرفی حکمرانی در منابع مختلف^۲ عنوان شده می‌تواند ضمن ترسیم اشتراکات، گذار به انتخاب یا تدوین تعریف را آسان سازد. این مهم در جدول شماره ۱ انجام شده است.

جدول ۱) تحلیل حکمرانی برپایه شاخصه‌ها در برخی از دیدگاه‌ها

منبع	بانک جهانی	کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه	کافمن و همکاران	برنامه توسعه سازمان ملل
------	------------	---	--------------------	----------------------------

۱- Kooiman

۲- برای نمونه ن.ک. به: جاسبی و نفری، ۱۳۸۸؛ الوانی و علیزاده ثانی، ۱۳۸۷؛ درزی و صدریه، ۱۳۹۴؛ علویان و زارع پور، ۱۳۹۶.

سال انتشار اثر	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۲	۱۹۹۷
شاخصه‌ای تعیین شده برای حکمرانی	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون ^۱
	*	شفافیت	*	شفافیت ^۲
	حق اظهار نظر و پاسخگویی ^۳	مسئولیت پذیری، پاسخگویی	آزادی شهروندان برای اظهار نظر و پاسخگوبودن دولتمردان	مسئولیت پذیری ^۴ ، پاسخگویی ^۵
	*	مشارکت،	*	مشارکت ^۶
	کارایی و اثربخشی دولت در انجام وظایف محوله	کارایی و اثربخشی	کارآمدی دولت	اثربخشی و کارایی ^۷
	*	اجماع محوری	*	اجماع مداری ^۸
	*	عدالانه و فراگیر	*	عدالت
	ثبات سیاسی و عدم خشونت ^۹	*	بی‌ثباتی سیاسی	*
	بار مالی مقررات: مقررات اضافی و هزینه‌های آن	شوریه‌شکاه علوم * مطالعات رتال جامع علوم انسانی	کیفیت قوانین تنظیمی	*

- ۱ - Rule of Law
- ۲ - Transparency
- ۳ - Voice and Accountability
- ۴ - Responsiveness
- ۵ - Accountability
- ۶ - Participation
- ۷ - Effectiveness and Efficiency
- ۸ - Consensus Orientation
- ۹ - Political Instability and Violence

*	کنترل فساد	*	کنترل فساد
دیدگاه استراتژیک ^۱	*	*	*

در چارچوب این شاخص‌ها، تعریف‌هایی از این نوع که: «حکمرانی تمامی فرآیندهای حکومت‌داری است که دولت، بازار یا شبکه اجراء می‌کند؛ بر خانواده، قبیله، سازمان رسمی یا غیررسمی یا قلمرو اعمال می‌شود و با اجرای قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان جوامع سازمان‌یافته اعمال می‌شود (بویر، ۲۰۱۳) تکمیل شده و مفهوم می‌یابد. مهمتر اینکه، شاخص‌های یادشده اگر مفهوم‌گیری شود و در بافت و متنی که طرح شد یعنی مطالعات توسعه با محوریت کشورهای جهان غیراول، تحلیل شود بار ایدئولوژیکی خود را بهتر نشان داده و ضرورت‌های تعدیل و اصلاح مفهومی و بومی‌سازی آن را با رعایت و حفظ کارویژه‌هایی که برای حکمرانی تعریف شده تایید و تاکید می‌نماید.

این مهم در دهه اخیر و متناسب با داشته‌ها و انباشته‌های داخلی اعم از ایرانی و اسلامی انجام شده و ادبیات قابل توجهی را ایجاد نموده است. در انتخاب عنوان این الگوها یا ادبیات و نظریه‌های حکمرانی با رویکرد بومی و دینی از تعابیر متفاوتی استفاده شده اما شاید بتوان آنها را تحت عنوان کلی «حکمرانی اسلامی» معرفی نمود. جمع‌بندی تلاش‌های مربوط به شرح جدول شماره ۲ قابل گزارش است.

جدول ۲) شاخص‌های حکمرانی اسلامی در مطالعات و تحقیقات ایرانی

صاحب‌نظر/ صاحب‌نظران	(حیثیتی تالی و واقت)	(درزی و صدریه)	(بردمار، خزانلی زاده و صالحی)	(جمشیدی)	(ناهری، منبغی و اسلامی)	(میراحمدی و میراحمدی)	(درختی و موسوی نیا)
سال نشر	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۷
مشخصات اثر	حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته: بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنی ن علی علیه‌السلام	نگرشی میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب؛ زمینه مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه	ارائه الگوی حکمرانی خدامدار	سیاست برتر از حکومت: مبانی و چیستی حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی علامه صدر	سیاست عملی و فنون حکمرانی امام علی(ع): مطالعه موردی حکومت‌مند ی در نامه‌های نهج‌البلاغه	جایگاه دانش سیاسی و مدیریت در علوم حکمران ی	مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص)

عنوان انتخابی	حکمرانی شایسته	حکمرانی صحیح	حکمرانی خدامدار	حکمرانی نیک	حکمرانی مطلوب	حکمران ی صالح	حکمرانی شایسته
شاخص‌های مورد تأکید	پاسخ‌گویی	صدا و پاسخ‌گویی	مسئولیت پذیری و پاسخ‌گویی	مردم‌محوری (پاسخگویی و مشارکت‌جویی)؛ مسئولیت پذیری	*	*	پاسخ‌گویی
	قانون‌مداری	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون	تکیه بر شریعت الهی (قانون‌محوری و شفاف‌سازی)	وفای به عهد و پیمان	*	قانون‌گرایی
	شفافیت	*	صراحت و روشنی در اهداف؛ شفافیت اطلاعاتی		*	*	شفافیت
	کارآیی و اثربخشی	اثربخشی دولت	اثربخشی و کارآیی دولت	امانت‌محور (اثربخشی و کارآیی)	*	*	اثربخشی
	مبارزه با فساد	کنترل فساد	کنترل و نظارت بر زیرمجموعه؛ مبارزه با فساد	*	کنترل و نظارت	*	فسادستیزی
	*	اعتقاد حکمرانان به خداوند	خدامحوری	*	*	*	*
	*	توجه حکمرانان به پیاده‌سازی سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)	*	اسوه‌پذیری متعالی	*	*	رفق و مدارا
	*	داشتن تقوا	*	*	*	ایمان و تقوا	*
	*	*	تأمین آزادی مشروع مردم	*	*	*	*
	*	*	مشارکت	وحدت‌گرایی (اجماع‌محوری)	دمکرات بودن حکمران؛ پرهیز از استبداد؛ جلب افکار عمومی	*	مشارکت‌طلبی

عدالت محوری	*	رعایت حقوق مردم	*	عدالت خواهی و عدالت گستری	*	*
*	*	تقسیم‌بندی اقشار اجتماعی بر اساس کار و مسئولیت	*	شایسته‌سالاری	*	*
*	*	*	*	ثبات سیاسی	*	*
*	*	*	*	کاهش فقر	*	*
*	*	*	*	دوام و پایداری	*	*
*	*	*	*	اهتمام به علم	*	*
*	*	پرهیز از تصمیم‌گیری در هنگام خشم	*	*	*	*
*	رشد جمعی	*	*	*	*	*

در مقام تحلیل، شاخص‌های مورد توجه نظریه پردازان در چارچوب حکمرانی اسلامی یا حکمرانی مبتنی بر دین و آموزه‌های دینی یا اقتضائات بومی می‌تواند و به تعبیر بهتر، باید دارای سه بُعد اساسی باشد: بُعد فردی، بُعد سازمانی، بُعد اجتماعی. این سه بُعد و مصادیق آنها در جدول شماره ۳ استنباط و استخراج شده است.

جدول ۳) ابعاد حکمرانی اسلامی بر پایه یافته‌های پژوهش‌های مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی (بومی)

ابعاد	شاخص‌های برشمرده شده در ادبیات دینی						
بعد سازمانی حکمرانی اسلامی	پاسخ‌گویی	*	*	مردم‌محوری (پاسخگویی و مشارکت‌جویی)؛ مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	صدا و پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی
	قانون‌گرایی	*	وفای به عهد و پیمان	تکیه بر شریعت الهی (قانون‌محوری و شفاف‌سازی)	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون	قانون مداری
	شفافیت	*	*		صراحت و روشنی در اهداف؛ شفافیت اطلاعاتی	*	شفافیت
	اثربخشی	*	*	امانت‌محور (اثربخشی و کارایی)	اثربخشی و کارایی دولت	اثربخشی دولت	کارایی و اثربخشی
	فسادستیزی	*	کنترل و نظارت	*	کنترل و نظارت بر زیرمجموعه؛ مبارزه با فساد	کنترل فساد	مبارزه با فساد

بعد فردی حکمرانی اسلامی	*	*	*	*	خدایمحموری	اعتقاد حکمرانان به خداوند	*
	*	*	*	اسوه‌پذیری متعالی	*	توجه حکمرانان به پیاده‌سازی سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)	*
	*	*	ایمان و تقوا	*	*	داشتن تقوا	*
بعد اجتماعی حکمرانی اسلامی	*	*	پرهیز از تصمیم‌گیری در هنگام خشم	*	*	*	*
	*	*	*	*	تأمین آزادی مشروع مردم	*	*
	مشارکت‌طلبی	*	دمکرات بودن حکمران؛ پرهیز از استبداد؛ جلب افکار عمومی	وحدت‌گرایی (اجماع‌محوری)	مشارکت	*	*
	عدالت‌محوری	*	رعایت حقوق مردم	*	عدالت خواهی و عدالت‌گستری	*	*
	*	*	تقسیم‌بندی اقشار اجتماعی بر اساس کار و مسئولیت	*	شایسته‌سالاری	*	*
	*	*	*	*	ثبات سیاسی	*	*
	*	*	*	*	کاهش فقر	*	*
	*	*	*	*	دوام و پایداری	*	*
	*	*	*	*	اهتمام به علم	*	*
	*	رشد جمعی	*	*	*	*	*
	رفق و مدارا	*	*	*	*	*	*
منبع: محقق							

تمایزی که این تحلیل در حکمرانی با رویکرد اسلامی و بومی با غیر بومی نشان می‌دهد مرتبط با لایه‌های فردی و اجتماعی است. در نگاه نخست، بعد سازمانی نیز می‌تواند در درون بعد اجتماعی منظور گردد اما

با رویکرد اسلامی این دو بعد بایستی متمایز شود. این بایستگی، برابند نظام انسان‌شناختی اسلام است که انسان را در هر حال و محلی مسئول دانسته و مسئولیت او را محدود به جنبه‌های رسمی و حقوقی نمی‌داند. حدیث شریف «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» تنها برای تأیید اجمالی این داعیه بسنده می‌کند. بر این پایه شناخت و صورت‌بندی نظری حکمرانی اسلامی در مقام تأکید بر امتیازات و متمایزات آن، بایستی متمرکز بر ابعاد فردی و اجتماعی و شاخص‌های هر بُعد باشد.

روش

روش تحقیق

تحقیق حاضر، از جهت نوع، کیفی بوده و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. «تحلیل محتوا، روشی است برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد واقعیت اجتماعی که در آن از مشخصه‌های یک متن ثبت‌شده (بارز) در مورد مشخصه‌های یک متن ثبت‌نشده (غیربارز) نتیجه‌گیری می‌شود» (مرتن، ۱۹۸۳ به نقل از: محمدی مهر، ۱۳۸۷: ۲۸)

روش تحلیل محتوای کیفی با دو رهیافت انجام می‌شود: قیاسی و استقرایی. در رهیافت استقرایی، مراحل نوعی این روش عبارتند از: آماده‌سازی داده‌ها؛ تعریف واحد تحلیل؛ تعیین طرح کدبندی، کدبندی کل متن؛ ارزیابی هم‌سازی مقوله‌ها؛ استنتاج از داده‌های کدبندی‌شده؛ گزارش روش‌ها و یافته‌ها. فرآیند اجرای این روش با رهیافت استقرایی به شرح تصویر شماره ۱ است:



شکل ۱) فرآیند اجرای روش تحلیل محتوای کیفی (محمدپور، ۱۳۹۲: ج ۲، ۱۰۳)

روش گردآوری داده‌ها

در راستای روش تحقیق پیش‌گفته، سخنان و بیاناتی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد سردار سلیمانی داشتند به‌عنوان واحد تحلیل، انتخاب شدند چرا که از جهاتی ارجحیت و اولویت یافتند: ویژگی فقاقت و عدالت، داده‌ها و بیانات ایشان را در مورد سردار سلیمانی هرچند اندک و کلی بوده و در حد کفایت با یک اشارت بودند بیش از هر سند دیگری معتبر و قابل استناد می‌کرد؛ ارتباط و پیوند ایشان با سردار سلیمانی به‌دلایل شغلی و ارادت سردار سلیمانی به شخصیت حقیقی و حقوقی نهاد ولایت، از باب «المومن مرآه المومن» اگرچه شاید نیم‌رخ از هر یک را در آیینة گفتار و رفتار دیگری متجلی می‌سازد اما همین نیمه نیز بیش از هر چهره تمام‌رخ دیگر می‌تواند محل استناد و استشهاد باشد.

پس از جستجو در وبگاه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به نشانی (www.khamenei.ir) بیانات مستقیم ایشان که دربرگیرنده توصیفی از سردار سلیمانی بودند شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت. موارد منتخب در این مرحله به شرح جدول شماره ۴ هستند:

جدول ۴) منابع گردآوری داده‌ها

تاریخ	مدرک
۱۳۹۵/۰۳/۳۱	بیانات در دیدار شاعران
۱۳۹۸/۱۰/۱۳	پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او
۱۳۹۸/۱۰/۱۳	بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی
۱۳۹۸/۱۰/۱۸	بیانات در دیدار مردم قم
۱۳۹۷/۱۰/۲۷	خطبه‌های نماز جمعه تهران

پردازش اطلاعات

با توجه به روش انتخابی، متن پیام‌ها چندباره خوانی شد و بر اساس چارچوب نظری بحث، کدهایی که در برگیرنده ویژگی‌های ممتاز و متمایز سردار سلیمانی بودند استخراج و در جدولی درج شد. تعداد ۲۷ کد که مرتبط با شخصیت سردار سلیمانی به‌عنوان یک الگو یا نمونه و مدل قابل معرفی به جامعه بودند استخراج شد. سیاق بیانات و متن طرح آنها که خطابی بوده و ویژگی ارشادی داشته باشند برای انتخاب کدهای مناسب (دارای وجه اجتماعی و عمومی و نه صرفاً توصیفی و شخصی) مورد رعایت و ملاحظه قرار گرفت. کدها در ۵ گروه و ۲ مقوله دسته‌بندی شده و سپس فرایند انتزاع صورت گرفت تا نظام مفهومی آنها تبیین شود. در این مرحله، نظام از مفاهیم خود را نشان داد که با عنوان «حکمرانی جهادی» هویت نظری پیدا کرده است. شرح کدها، گروه‌ها و مقوله‌ها در جدول شماره ۵ می‌باشد.

جدول ۵) کدها، گروه‌ها، مقوله‌ها و نظام مفهومی انتزاع شده

نظام مفهومی انتزاع شده	مقوله	گروه‌ها	کدها
حکمرانی جهادی	ابعاد فردی	مبناگرایی	التزام به شریعت، تربیت شده اسلام و مکتب امام، بهره مندی و برخورداری از مکتب سیاسی، توجه به سیره سیاسی امام(ره)، جامعیت، رعایت اصول در سایر حوزه‌ها،
		تقدم جهاد اکبر	تقدم جهاد درونی، تداوم در انگیزه و عمل، شجاعت در چارچوب عقلانیت، اخلاص و دوری از تظاهر، پرهیز از خودنمایی، بی‌پروایی، آرزوی شهادت، شوق و اشتیاق برای شهادت، زبان و بیان سنجیده

	مجاهدت	تلاش‌گری و عاملیت، تلاش با اخلاص و شجاعانه، ارتباطات فرانسائی با ولایت،
ابعاد اجتماعی	شبکه‌سازی ایمانی	شبکهٔ رفاقتی، توانمندسازی، هم‌کنشی، شناسایی و بکارگیری تمامی منابع موجود، دشمن‌شناسی فرهنگی
	اثربخشی برکت‌محور	تأثیر بر و همراهی اعضای خانواده، اثربخشی، نتیجه‌گرایی، اثرگذاری در سطوح بین‌المللی

تبیین یافته‌ها

ادبیات الگوی حکمرانی سردار سلیمانی به جهاد و مجاهدت نزدیک است چرا که توصیفات ارایه‌شده از ایشان و نیز نقش و جایگاهی که داشتند عمدتاً در رسانه‌ها و اذهان عمومی جامعه، دفاعی و جهادی بوده از این رو الگوهایی که در این مرحله از معرفی شخص و شخصیت سردار سلیمانی خود را نشان می‌دهد به صورت طبیعی و بدیهی با آن بافت و زمینه، هم‌خوانی پیدا می‌کند. الگوی یادشده در دو بعد فردی و اجتماعی که مابه‌الامتياز الگوهای حکمرانی اسلامی است از شاخص‌های متفاوتی برخوردار است. این تفاوت‌ها می‌تواند اختصاصی سردار سلیمانی بوده و به همین جهت بجز الزام بافت و زمینه، بایستی متناسب با این خصوصیات و امتیازات هم‌عنوانی جدا برای آن انتخاب نمود. به نظر می‌رسد «حکمرانی جهادی»، الگویی است که می‌تواند وجه حکمرانی شخص و شخصیت سردار سلیمانی را توضیح دهد. ابعاد و شاخص‌های این الگو به شرح زیر است:

بعد فردی

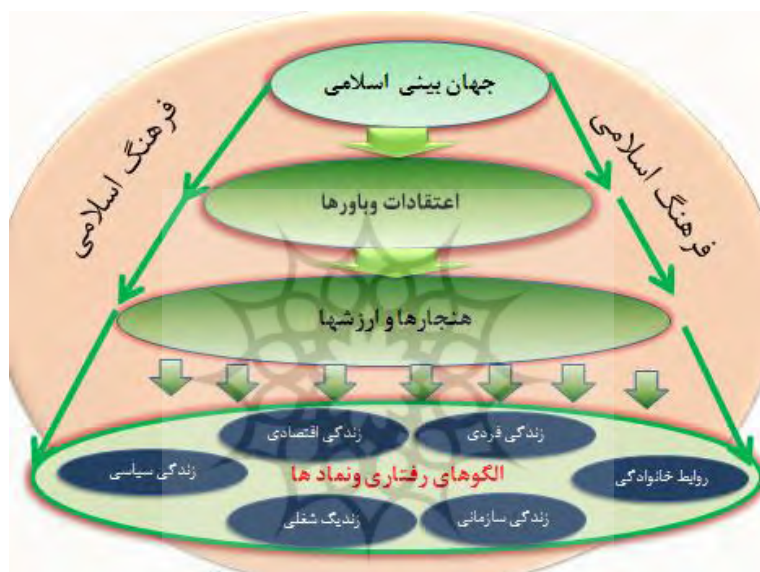
مبناگرایی

مکاتب هر کدام مبنا یا مبناهایی دارند که کانون و دال مرکزی و محوری گفتمان‌سازی آنها را تشکیل داده و در هیچ بستر و شرایطی آن را رها نکرده یا نمی‌توانند رها کنند چرا که هویت و ماهیت آنها را تشکیل می‌دهد. مهمترین رکن حکمرانی جهادی، التزام به مبانی راستین و اساسی دینی (اسلامی) است که جوهره و شالودهٔ این الگو را تشکیل می‌دهد. مبناى یادشده در تشکیل، تکمیل، تکوین و تداوم حکمرانی جهادی موضوعیت داشته و آن را همراهی می‌کند. همین خاستگاه به نیت‌ها، انگیزه‌ها و رفتارها شکل داده و سمت و سوی آن را تعیین می‌کند. همچنین، حکمرانی را تحدید حدود کرده و قیدهایی برای آن در نظر می‌گیرد. از جمله گزاره‌هایی که در میان داده‌ها و اطلاعات تحقیق، این معنا را دلالت دارد می‌توان به بیان زیر اشاره کرد:

یک خصوصیت دیگر این بود که هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصهٔ نظامی بود، هم در عین حال بشدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش

می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او نه، او مراقب بود (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

داده‌ها و اطلاعات برآمده از تحقیق به‌ویژه تعبیر بکاررفته در پیام تسلیت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (۱۳۹۸/۱۰/۱۳) نسبت به ایشان مبنی بر اینکه وی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌یافتگان اسلام و مکتب امام خمینی بود نشان می‌دهد خصوصیت یادشده، به تعبیر قرآنی، دأب و رسم زندگی فردی و اجتماعی سردار سلیمانی بوده است. بر اساس چنین توصیفات، الگویی که می‌تواند حکمرانی جهادی مبتنی بر مبانی و اقتضات دینی و اسلامی را به‌تصویر بکشد در قالب شکل شماره ۱ قابل ترسیم است:



شکل ۲) مبانی و تأثیر آن در فرآیند حکمرانی جهادی (منبع: محقق)

برابر این الگو، کنش‌گران عرصه حکمرانی جهادی، مبانی را در تمام ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی خود تجلی بخشیده و دخالت می‌دهند و مصالح را در چارچوب همین مبانی، مورد رعایت و ملاحظه قرار می‌دهند.

تقدم جهاد اکبر

حکمرانی جهادی برابر روایتی تاریخی از پیامبر گرامی اسلام (ص) با جهاد اکبر تکمیل می‌شود اما تقدیم و تاخیر آن ظاهراً تابع اقتضات است. در صورت عدم ظهور شرایط و نبود ضرورت برای اجرای احکام ثانویه و برابر قاعده‌الاهم فالاهم این جهاد اکبر است که اولویت و اهمیت پیدا می‌کند و سیاق ادبیات فقه

جهادی نیز اقتضای همین بحث را دارد. قرآن کریم با قرین ساختن جهاد اصغر به گزاره «فی سبیل الله»^۱ در آیات متعدد، چنین قرابت و التزامی را تایید و تصریح نموده است.

در حکمرانی جهادی، بیش و پیش از هر چیز، جهاد اکبر و مداومت بر آن و حتی افزایش دقت و رعایت آن در گذر زمان اهمیت پیدا می‌کند چرا که حکمرانی عرصه شکست‌ها و پیروزی‌های پرتأثیر بر روح و روان انسان و گروه‌های انسانی است و در نبود این شاخص، افول و رفتار بر مبانی و مبادی وجه غیرالهی و غیرملکوتی انسان افزایش احتمال پیدا می‌کند. نمونه‌ها و مصادیق این گزاره در طول تاریخ بسیار است و در برابر، روایت‌های مخالف آن، معدود و محدود می‌باشد.

مجاهدت

حکمرانی جهادی، همراهی نظر و عمل است. هر دو وجه در حد اعتدال رعایت شده و همراهی هر دو مطلوب و مورد مطالبه است. حکمرانی جهادی، نه گوشه‌نشینی و طرح‌ریزی در خلاء را دنبال می‌کند نه حرکت بی‌اندیشه و بی‌مبنا را. برخلاف ذات حکمرانی و مراتب پایین‌تر آن که می‌تواند سیاست‌گذاری باشد حکمرانی جهادی تنها به ریل‌گذاری برای حرکت دیگر سامانه‌ها اکتفاء نکرده، خود بیش و پیش از هر کنش‌گر دیگری حرکت می‌کند. این تلاش، جهادی است و مجاهدت می‌تواند کنه و معنای عمیق آن را تبیین کند چرا که هم به لحاظ لغوی دلالت بر تلاشی همراه مشقت و سختی داشته و یک تلاش معمولی و متعارف نیست بلکه بذل نهایت توان و امکان است و نیز تنها محدود به دفاع و عرصه‌های نظامی نیست بلکه مبارزات علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد (شریعتمداری ج، ۱۳۷۴، ص. ۱، ج. ۴۱۰).

بعد اجتماعی

شبکه‌سازی ایمانی

شبکه یکی از ارکان و ابزارهای حکمرانی است. کمترین شبکه‌ای که بایستی برای تبلور حکمرانی و پیدایش زمینه اجرای آن شکل گیرد بین دولت، جامعه و بازار است (زهیری، ۱۳۹۴: ۹۴). قرارگیری افراد/نهادهای در شبکه‌ها، به جهت جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، آنها در چارچوب قدرتی نامحسوس و اهرم‌هایی نامرئی قرار می‌دهد که جنبه تشویقی یا تنبیهی داشته و تمکین آنها از نظام قدرت را بی‌آنکه ناخشنود باشند به همراه دارد. «حکومت‌مندی»^۲ در مفهوم فوکویو و حتی با طرحی که بنت^۳ مطرح

۱ - برای نمونه در سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، آیات شریفه ۹۵ و ۹۶.

۲ - Governmentality

۳ - Tony Bennett

کرده (امین فر و هاشمیان، ۱۳۹۳) می‌تواند پشتوانه نظری این بحث محسوب گردد. شبکه‌سازی فردی و سازمانی در سال‌های اخیر به همین منظور رشد یافته است. بخش عمده‌ای از شبکه‌ها به‌ویژه در چارچوب نظام حکمرانی بر محور ومدار منفعت و عمدتاً هم سود مادی شکل گرفته که مأموریت و مسئولیت حفظ و تضمین یا پیشینه‌سازی آن رادنبال می‌کند. در برابر این رویکرد از حکمرانی، شبکه‌سازی ایمانی قرار می‌گیرد که رفاقتی و نه رقابتی است. «رفق» به معنی مدارا و رفیق به معنی «مداراکننده، دوست و همراه» می‌باشد. قرآن کریم (سوره مبارکه نساء/آیه شریفه ۶۹) مصادیق این وصف را انبیاء، صدیقان، شهدا و صالحان معرفی می‌کند. در این نوع از شبکه‌سازی مصالح بجای منافع قرار گرفته و کانون شبکه از «هم‌سودی» به «هم‌سوایی» تغییر می‌یابد.

سردار سلیمانی در حکمرانی جهادی خود که با محوریت بن‌مایه‌ای ارزشی به نام «مقاومت» دنبال می‌شد این مبانی را هم در معنای مدارا و هم در معنای دوستی دنبال می‌کرد. بخش نخست مربوط به کسانی بود که تمایل به تعارض داشتند اگرچه شاید آن را علنی نمی‌کردند و بخش دوم مربوط به کسانی بود که هوادار و هواخواه بوده و به‌لحاظ ارزشی و هنجاری، هم‌سو محسوب می‌شدند. ریشه‌های چنین گرایش‌هایی در سنت و سیره نبوی قابل ردیابی است (درخشه و موسوی نیا، ۱۳۹۷: ۱۵).

اثر بخشی برکت‌گرا

ظاهراً «اثر بخشی» مفهوم و جوهره یا غایت و مقصود نهایی حکمرانی و رهیافت‌های گوناگون آن را تشکیل می‌دهد. اشتراک تاکید بر این ویژگی به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در حکمرانی می‌تواند جایگاه و ارزش ماهوی این بحث را نشان می‌دهد.

حکمرانی فرهنگی در مکتب سردار سلیمانی اگرچه بی‌توجه به نتیجه و اثرگذاری نیست و صرفاً تلاش و التزام به تکلیف را اصل و مبنا قرار نداده و برای بهره‌دهی تلاش‌ها نیز برنامه و جهت‌گیری دارد توجه و تمرکز بر «برکت‌دهی» آن است. البته این مؤلفه، برآیند و دستاورد اخلاص است و جداسازی آن به جهت وزن و اهمیتی است که در حکمرانی فرهنگی و هرگونه فعالیت فرهنگی دیگر می‌تواند داشته باشد. برکت از «برک» (بر وزن برگ) به معنی سینه شتر است و تدریجاً در معنی ثبوت و دوام و استقرار چیزی به کار رفته و به هر نعمتی که پایدار بماند (در برابر موجودات بی‌برکت و فانی) اطلاق می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۹۲). این وصف اگرچه در برابر «متعالی» قرار نمی‌گیرد از جهاتی برتر و اسلامی‌تر و حتی انسانی‌تر از حکمرانی متعالی می‌تواند باشد چرا که حکمرانی متعالی با توجه به معنای ماده آن که از علو و بلندی و برتری گرفته شده، نوعی خاص و منحصر به فرد بودن را به ذهن می‌رساند. این ویژگی (متعالی) می‌تواند ناظر بر مدل حکمرانی باشد یا ناظر بر محتوا و جهت‌گیری آن که در هر دو صورت بایستی در خاستگاه فکری یا معرفتی خاصی آن را محصور کرد و قابلیت معرفی و صدور آن می‌تواند به چالش کشیده شود. در حالی که رویکرد و محور اسلام و آموزه‌های آن و طبیعتاً کسانی که

در این بافت، رشد و تکامل یافته‌اند «رحمه‌للعالمین» است (ارسطا و حبیب نژاد، ۱۳۹۴) و در پی نجات انسان و هدایت بخوعانه نوع انسان هستند. بر این پایه در حکمرانی فرهنگی مبتنی بر این نظام معرفتی، تنها تکامل و اعتلای یک الگو مطرح نیست بلکه کاربرد آن برای گستره‌ای بیشینه با دستاوردهایی فزاینده و فراگیر مورد توجه است و البته چنین هدفی بسادگی و با سازوکارهای زمینی و معمولی به دست نمی‌آید به همین جهت به زمینه‌ها و سازوکارهایی توسل جسته می‌شود که در همان خاستگاه معرفتی، معرفی و تجربه شده است اما آثار و دستاوردهایش تنها برای بانی و بنیان‌گذار آن محدود نبوده و تمام عالم خلقت را می‌تواند در بر بگیرد. تعبیر کوتاه از تفاوت حکمرانی متعالی و برکت‌محور می‌تواند این باشد که اولی، می‌تواند مرزبردار بوده و بر اساس باورها یا نظام معرفتی خاصی، خودی و دیگری ایجاد کند و دومی، مرزبردار نبوده و یا دست‌کم خودی و غیرسازی آن، به ترتیب حداکثری و حداقلی است.

این شاخص در بیان مقام معظم رهبری چنین تصویر شده است:

عزیزان من، برادران و خواهران نمازگزار! اخلاص برکت دارد. هر جا اخلاص بود، خدای متعال به اخلاص بندگان مخلصش برکت می‌دهد، کار برکت پیدا می‌کند، رشد و نمو پیدا می‌کند، کار به نحوی می‌شود که اثر آن به همه می‌رسد، برکات آن در میان مردم باقی می‌ماند. این ناشی از اخلاص است. نتیجه آن اخلاص، همین عشق و وفاداری مردم، همین اشک و آه مردم، همین حضور مردم، همین تازه شدن روحیه انقلابی مردم است (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

نتیجه

حکمرانی با شاخص‌های اصلی و عمده‌ای چون حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، شفافیت و اثربخشی شناخته می‌شود. وجه مشترک این شاخص‌ها، تمرکز آنها بر سیاست‌ها یا ابزارهای بیرونی است. در این چارچوب تلاش می‌شود با کمک قانون، به‌گونه‌ای ساختارها تعریف و طرح‌ریزی شوند که سامانه‌های اجتماعی به سمت بهبود و بهینه‌سازی پیش رفته و همرا با کاستن از آسیب‌ها و ضعف‌ها، در پیشبرد اهداف و مأموریت‌ها، موفق‌تر عمل کنند. بر این پایه، به‌نظر می‌رسد حکمرانی همچنان از توجه به درون انسان و ریشه‌های درونی رفتارهای اجتماعی انسان غافل بوده یا در مهار و مدیریت آن، ناتوانی ضمنی خود را اعلام می‌دارد.

تحلیل نظام شخصیتی و حتی زندگی شخصی سردار سلیمانی از نگاه آموزه‌های حکمرانی نشان می‌دهد جنبه‌های ارزنده‌ای که قابلیت تعمیم و آموزش یا لگوسازی و نهادینگی یا حتی غنی کردن ادبیات حکمرانی دارد قابل استخراج و توصیف است. ویژگی و مابه‌الامتیاز مکتب سردار سلیمانی در این چارچوب، جایگاه و نقشی است که به سازوکارهای درونی همراه با سیاست‌های بیرونی برای تکوین حکمرانی داده می‌شود.

وصف «جهاد» می‌تواند همانند کلیدواژه‌ای، جامع این نوآوری و تازگی در حکمرانی بر اساس مبانی و سبک زندگی سردار سلیمانی باشد.

البته این کلیدواژه بایستی در معنای عام و نه معنای شایع آن در نظر گرفته شود. «جهاد» عمدتاً در وجه شایعی که پیدا کرده به معنای محدود درگیری نظامی بر اساس مبانی دینی و اعتقادی ویژه‌ای اطلاق شده و در این معنا، استقرار پیدا کرده است که عمدتاً ناظر بر جنبه‌های بدنی و درگیری‌های جسمانی است (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۶۰۰) اما معنای عام آن، سه‌گانه وجودی انسان یعنی اندیشه، و تن و جان را پوشانده و بر/ و در هر سه‌ساحت، مبانی و بنیان دارد.

جهاد وقتی بر اندیشه معطوف شود صورت «اجتهاد» یافته و آن فرایندی است که انسان، متکی به اصول و مبانی، احکام فردی و اجتماعی در تمامی ساحت‌ها و عرصه‌ها و نه تنها حوزه‌های اعتقادی و عبادی را استخراج و مبنای عمل خود قرار می‌دهد. اهل فن از آن به «ملکه» تعبیر کرده‌اند که بر درونی شدن و نهادینگی آن در وجود انسان و دوام و مداومت بر آن دلالت دارد. «مبناگرایی» در مکتب سردار سلیمانی این وجه از حکمرانی جهادی را دلالت و اشارت دارد. در حکمرانی این نقش را قانون ایفاء می‌کند که در واقع همان صورت مستخرج از مبانی است و عمدتاً جنبه بشری و زمینی دارد اما در حکمرانی جهادی، افزون بر عقلانیت انسانی، عقلانیت اسلامی نیز دخالت و بلکه محوریت داده می‌شود؛ بر این پایه، حکمرانی جهادی در پی تربیت انسانی است که امکان و توان شناخت تکلیف خود را در شرایط متغیر فردی و اجتماعی داشته و همین شناخت برای او الزامات رفتاری و بیرونی را تعیین می‌کند و حتی در شرایط آشوب و بی‌هنجاری مانند جنگ و درگیری نظامی، نظم رفتاری را تضمین می‌کند.

جهاد وقتی بر روح و جان انسان اعمال شود معطوف به تقویت تقویت جنبه‌های الهی و مهار جنبه‌های نفسانی و غریزی است. در این جنبه، حکمرانی نه امری بیرونی که مقدم بر آن، امری درونی و ناظر به «خود انسانی انسان» است. حکمرانی تحقق چنین جنبه‌ای را در مبارزه با فساد جسته و آن را با سازوکارهای بیرونی دنبال می‌کند اما حکمرانی جهادی تلاش دارد ریشه‌ها و خاستگاه فساد را هدف قرار داده و آن را مهار نماید تا اساساً نه تنها فساد شکل نگیرد که در برابر آن، رشد و صلاح و خودسازی و اصلاح، قوت و قدرت بگیرد؛

و سرانجام جهاد وقتی بر تن و جسم انسان معطوف شود شکل مجاهدت به خود می‌گیرد. در تعبیر قرآنی، این واژه وقتی بکار می‌رود در سیاق‌هایی است که درستی در گزینش هدف و وسیله، هر دو را دلالت می‌کند (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۱۴). حکمرانی درستی کار و کار درست را در مفهوم اثربخشی یا مفاهیم نزدیک به آن مانند کارآمدی و کارآیی، می‌جوید اما حکمرانی جهادی، اثربخشی، کارآمدی و کارآیی را تابعی از درستی در انتخاب هدف و وسایل به‌صورت هم‌زمان و همراه هم جسته و البته در پی

این انتخاب، اقدام و بذل آنچه در توان است را نیز همراه می‌کند که در نهایت به رشد در نتایج یا همان برکت و افزایش بی‌حد و حساب ثمرات و برکات می‌انجامد.

حکمرانی جهادی با ماهیت و محتوای پیش‌گفته، خلق اجماع نمی‌کند تا در چارچوب آن و بر مبنای ادبیات حکمرانی، بخش‌های رقیب یا دارای تضاد منافع با هم به گفتگو نشسته و بر محوری یا منفعتی توافق و اشتراک نظر پیدا کنند بلکه اجماع بر محور اشتراک هدف و وسیله، پیشاپیش حاصل بوده و ابزاری برای حرکت در مسیر هدف و مأموریت می‌شود. اساسا در این گونه از حکمرانی، منفعتی نیست تا ایجاد رقابت کند و در پی آن نیاز به اجماع ضرورت یابد بلکه منافع، بیرون از دایره حکمرانی است و به تعبیر جان‌راولزی آن در نظریه عدالت، منافع در پس پرده جهل قرار می‌گیرد (فاستر، ۱۳۸۰: ج ۵). به همین جهت در این شبکه، تقسیم منافع و تخصیص منابع محل بحث نیست بلکه تخصیص‌زدایی و توسعه داشته‌ها به فراسوی مرزهای خویشتن و اشتراک‌گذاری آنها در شبکه‌ای ایمانی مورد توجه است «و یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه».

منابع

- [۱] بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. (۱۳۹۸/۱۰/۲۷).
- [۲] بیانات در دیدار مردم قم. (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). بازیابی از www.khamenei.ir
- [۳] ابوطالبی، م. (۱۳۸۳). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- [۴] ارسطو، م، و حبیب نژاد، س. (۱۳۹۴). اصل رحمت در حکمرانی از منظر قرآن کریم. قرآن، فقه و حقوق اسلامی (۳)، ۱۹۴-۱۷۱.
- [۵] اشترینان، ک. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: جامعه‌شناسان.
- [۶] الوانی، س، و علیزاده ثانی، م. (بدون تاریخ). تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران. فصلنامه مطالعات مدیریت، ۲۳-۱.
- [۷] امین فر، ص، و هاشمیان، س. (۱۳۹۳). نقد و بررسی نظریه حکومت مندی بنت در قلمرو سیاست فرهنگی. دین و سیاست فرهنگی (۳)، ۱۲۷-۹۹.
- [۸] ایمان، م. (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۹] بامری، ن، منشادی، م، و اسلامی، ر. (۱۳۹۶). سیاست عملی و فنون حکمرانی امام علی (ع): مطالعه موردی حکومت مندی در نامه‌های نهج البلاغه. پژوهش‌های نهج البلاغه (۵)، ۱۹، ۱۰۰-۸۳.
- [۱۰] بردبار، غ، ضرابی زاده، ش، و صالحی، ط. (۱۳۹۴). ارائه الگوی حکمرانی خدامدار. مدیریت اسلامی (۲۳)، ۴۱-۹.
- [۱۱] پهلوان، چ. (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن. تهران: نشر نی.
- [۱۲] جاسبی، ج، و نفری، ن. (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۱۱۷-۸۵.

- [۱۳] جمشیدی، م. (۱۳۹۶). سیاست برتر از حکومت: مبانی و چیستی حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی علامه صدر. پژوهش حوزه (۵۲)، ۱۵۹-۱۵۴.
- [۱۴] جوادی آملی، ع. (۱۳۹۱). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: اسراء.
- [۱۵] حسینی تاش، س، و واثق، ق. (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته: بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمومنین علی علیه السلام. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۲۸-۷.
- [۱۶] حیدری فر، س. (۱۳۹۶). تحول مفهوم حکمرانی جهانی در روابط بین‌الملل. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۱۷۸-۱۴۹.
- [۱۷] درخشه، ج، و موسوی نیا، س. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص). پژوهش‌های علم و دین (۹)، ۱-۲۸.
- [۱۸] درزی، ق، و صدریه، پ. (۱۳۹۴). نگرشی میان رشته‌ای به حکمرانی خوب؛ زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه. النهج (۴۶)، ۱۲۶-۱۰۳.
- [۱۹] رجائی، ا. (۱۳۹۶). بررسی وضعیت حکمرانی در بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشورهای جهان. سیاست نامه علم و فناوری، ۳۴-۲۵.
- [۲۰] رضائی، ح، و توحیدفام، م. (۱۳۹۷). نسبت سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم سالاری دینیبا تاکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی. راهبرد (۲۷)، ۸۹، ۶۵-۳۵.
- [۲۱] زهیری، ع. (۱۳۹۴). نسبت سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب. علوم سیاسی، ۱۱۱-۸۷.
- [۲۲] ساعی، ع، و کبیری، ا. (۱۳۹۰). تحلیل تطبیقی کیفیت حکمرانی: مطالعه بین‌کشوری با رویکرد فازی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱۰-۶۱.
- [۲۳] سلیمی، ج، و مکنون، ر. (۱۳۹۷). فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مساله حکمرانی در ایران. مدیریت دولتی (۱۰)، ۱-۳۰.
- [۲۴] شریعتمداری، ج. (۱۳۷۴). شرح و تفسیر لغات قرآن کریم بر اساس تفسیر نمونه. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- [۲۵] شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۶۸). اصول سیاست فرهنگی، اهداف، مبانی، اصول، منبها و خط‌مشی.
- [۲۶] علویان، م، و زارع پور، م. (۱۳۹۶). شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت الله جوادی آملی. پژوهش‌های سیاست اسلامی (۵)، ۱۱، ۶۰-۳۷.
- [۲۷] عیوضی، م، مرزبان، ن، و صالحی، م. (۱۳۹۶). از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار. فصلنامه راهبرد (۲۶)، ۸۵، ۸۵-۵۵.
- [۲۸] فاستر، م. (۱۳۸۰). خداوندان اندیشه سیاسی. (ج. شیخ الاسلامی، مترجم) تهران: امیرکبیر.
- [۲۹] محمدپور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ا. تهران: جامعه‌شناسان.
- [۳۰] محمدی مهر، غ. (۱۳۸۷). روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق). تهران: گنجینه علوم انسانی: دانش نگار.
- [۳۱] مدرسه حکمرانی شهید بهشتی. (۱۳۹۶). مطالعات توجیهی تأسیس مدرسه حکمرانی. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

- [۳۲] مشتاق مهر، ر. (۱۳۸۵). حکمرانی آرمانی ایرانیان در اندرنامه‌های جاویدان خرد. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۹۸-۸۵.
- [۳۳] معین، م. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: آدنا؛ کتاب راه نو.
- [۳۴] مفتاح، م، قاسمی، غ، و کردنژاد، ن. (۱۳۹۴). امکان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران. پژوهش تطبیقی حقوق اسلامو غرب، ۱۷۵-۱۵۱.
- [۳۵] موسی پور، ن. (۱۳۹۲). سبک زندگی آموزش گران علوم انسانی در محیط‌های دانشگاهی ایران: از آرمان‌های دینی تا واقعیت‌های سازمانی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۳۰-۱.
- [۳۶] میدری، ا، و خیرخواهان، ج. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [۳۷] میراحمدی، م، و میراحمدی، ع. (۱۳۹۷). جایگاه دانش سیاسی و مدیریت در علوم حکمرانی. چشم انداز مدیریت دولتی (۹)، ۴۳-۶۶.
- [۳۸] میری، س، خسروپناه، ع، حمیدی زاده، ع، اخوان علوی، س، و رحمتی، م. (۱۳۹۷). در تکاپوی یکپارچگی در نظام خطمشی گذاری عمومی: الگوی پیکره واحد حکمرانی و خطمشی عمومی. فصلنامه راهبرد (۲۷)، ۸۶، ۱۵۹-۱۹۲.
- [۳۹] هیل، م. (۱۳۹۷). اجرای خط مشی عمومی: حکمرانی در نظریه و عمل به انضمام مبحث ارزیابی خط مشی. تهران: آذرین مهر.
- [40] Bevir, M (2013) *Governance: A very short introduction*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- [41] Kooiman, J (1999) Social - political governance: overview ,reflections and design .*public management*, 67-69.